خبر

برگزاری آیین یادبود بابک برزویه در خانه هنرمندان

چندی پیش بابک برزویه، عکاس سینما و مطبوعات ایران پس از ماه‌ها کما و بستری بودن در بیمارستان درگذشت و امروز قرار است آیین یادبود این هنرمند فقید در خانه هنرمندان برگزار شود. آیین یادبود زنده‌یاد برزویه امروز(چهارشنبه ۲۳شهریور) ساعت ۱۸ در سالن شهناز خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود. بابک برزویه مدرس، عکاس، بازیگر و از فعالان عرصه عکاسی تئاتر و سینما از دی‌ماه ۱۴۰۰به دلیل عارضه مغزی در کما به سر می‌برد و در بخش مراقبت‌های ویژه بستری بود تا نهایتا ۲۵ مرداد ۱۴۰۱ بعد از تحمل یک دوره بیماری، دارفانی را وداع گفت. بابک برزویه فعالیت خود را در عکاسی هنری در سال ۱۳۷۶ با عکاسی فیلم «ایلیا نقاش جوان» شروع کرد و با عکاسی بیش از ۱۰مجموعه تلویزیونی، ۳۵فیلم سینمایی بلند و کوتاه و بیش از ۲۰۰ تئاتر داخلی، یکی از فعال‌ترین عکاسان هنری ایران بود. همچنین همکاری با خبرگزاری‌هایی همچون فارس، ایسنا، آنا و مهر جزو کارنامه خبری اوست. برزویه از شروع فعالیت‌های عکاسی خود با کارگردان‌هایی همچون رسول ملاقلی‌پور، مسعود کیمیایی، پوران درخشنده و... همکاری داشته است. این هنرمند سال ۱۳۷۵ برنده دیپلم و سیمرغ بلورین بهترین عکاس فیلم برای عکاسی فیلم «سفر به چزابه» ساخته زنده‌یاد رسول ملاقلی‌پور شد. / مهر

درنگ

عصر افشاگری حقیقت

علی رستگار
گروه فرهنگ و هنر

قدمت سینمای مستند به درازای خود سینماست و اصلا نخستین تصاویری که برادران لومیر به عنوان اولین فیلم‌های تاریخ سینمای جهان ثبت و ضبط کردند، نماهایی ساده از زندگی واقعی و روزمره آدم‌ها بود. گرچه شکل‌گیری و گسترش کمپانی‌های فیلمسازی خیلی زود با تنگ کردن عرصه برای سینمای مستند، جای آن را به سازوکار صنعتی و وجه سرگرم‌کنندگی سینمای داستانی داد و از علاقه خیل تماشاگران به قصه‌پردازی، پول‌ها به جیب زد اما سینمای مستند هم آن گوشه و کنارها نفس می‌کشید و صادقانه به راهش ادامه می‌داد. با این حال حتی در دوران سینمای صامت و دهه ۲۰ میلادی و خوش‌خوشان اولیه سینمای هالیوود و سینمای دیگر نقاط اروپا هم چهره‌ای مثل رابرت فلاهرتی، مستندساز برجسته آمریکایی فعالیت می‌کرد که با اثر درخشانش «نانوک شمالی» پرچم مستند را به بهترین شکل به اهتزاز درآورد و به مخاطبان سینما نشان داد که مستند را کاملا جدی بگیرند و تنها اسیر صحنه‌سازی‌های سینمای داستان‌پرداز و هالیوودی نشوند. به‌تدریج و با تلاش مستندسازان مختلف در سراسر جهان، شاهکارهای دیگری در این زمینه خلق شد و به‌ویژه در سال‌های اخیر مردم و مخاطبان عام هم پی به ارزش‌ها و جذابیت‌های مستند بردند که گاهی داستان‌های مگو و واقعیات کنجکاوی‌برانگیزی را روایت می‌کرد که معذوریت‌ها و محدودیت‌های سینمای داستانی جرات و جسارت نزدیک شدن به آن را نداشت و ندارد؛ واقعیات و حقایقی مهم‌تر و جذاب‌تر از هر قصه و افسانه‌ای.

در این مورد باید به جسارت مستندهای سیاسی اشاره کرد که در افشای حقایق، مسائل پشت پرده و نقد صریح شخصیت‌ها، سیاستمداران و جریانات سیاسی، چنان پردل و جرات عمل می‌کنند که مخاطب چاره‌ای جز میخکوب شدن ندارد. سینمای داستانی و به‌ویژه هالیوود، به دلیل نظارت از سوی سیاستمداران حکومت آمریکا چندان توان و جسارت طرح این مسائل و موضوعات را ندارد و شاید هرازگاهی در این زمینه یکی به نعل و یکی به دیوار بزند اما مستندسازان معمولا جسورتر هستند و خطر تهدیدات را هم برای بیان حقیقت به جان می‌خرند. بنابراین بخش زیادی از روشنگری و آگاهی‌بخشی‌ها به مردم از طریق مستندهای سیاسی اتفاق می‌افتد که در سال‌های اخیر شدت هم گرفته است. حالا شاید در این زمانه تصور مستندسازی وابسته و تحت فرمان هیتلر و وزیر تبلیغاتش گوبلز، مثل لنی ریفنشتال سخت باشد که مستندهایی چون المپیا و پیروزی اراده می‌ساخت؛ هنرمندانه اما کاملا در خدمت حکومت آلمان نازی و برای ارعاب و همراهی مردم. اگر هم افرادی مثل او پشت دوربین قرار دارند، مستندسازان باشرف بسیاری هستند که آثاری در نقطه مقابل سرکوب و حقنه‌های سیاسی می‌سازند و افکار نادرست دولتمردان ناموجه را برنمی‌تابند. جایگاه و اهمیت ویژه مستندهای سیاسی خوب وقتی بیشتر می‌شود که در جنگ رسانه‌ای و جریان نفوذ رسانه‌ای غرب، معمولا واقعیات و حقایق وارونه جلوه داده می‌شوند، به‌ویژه در مستندها و گزارش‌های دولتی و حکومتی کمتر سراغ روایت صادقانه می‌روند و سعی می‌کنند تنها آن چیزی را بگویند و به خورد مردم جهان بدهند که تضادی با منافع قدرت، سرمایه و حکومت نداشته باشد. مثل همه گزارش‌ها و مستندهایی که شبکه بی‌بی‌سی در ستایش سلطنت و ملکه در همه این سال‌ها تهیه و پخش کردند اما مستندسازان سیاسی جهان با هویتی مستقل و نگاه آزادانه، فاش می‌گویند و از گفته خود دلشادند، چشم ما و حقیقت روشن.

نگاهی به آثار ساخته شده در مورد الیزابت دوم

نیمه پنهان ملکه در مستندهای افشاگرانه

رضا حسینی
نویسنده و منتقد

الیزابت الکساندرا مری ویندزور که به اختصار ملکه الیزابت دوم نامیده می‌شد و به مدت ۷۰ سال و ۲۱۴ روز بر انگلستان حکومت کرد، روز پنجشنبه ۱۷ شهریور درگذشت. در حالی که طی عمر ۹۶ ساله خود موفق به جابه‌جا کردن چند رکورد شد. در حال حاضر او طولانی‌ترین دوران حکمرانی را میان تمام حکمرانان زن تاریخ دارد. هرچند اگر پادشاهان و فرمانروایان مرد را به این معادله اضافه کنیم، رتبه او یک پله تنزل می‌یابد و به جایگاه دوم می‌رسد؛ چرا که لویی چهاردهم پادشاه فرانسه در قرن هفدهم میلادی ۷۲ سال و ۱۱۰ روز حکومت کرد و از این لحاظ رکورددار است. البته این رکوردها، آمار و ارقام ریشه در نگاه از بالا به پایین اروپایی‌ها به سایر مردم جهان دارد. در غیر این‌صورت باید سوبوزای دوم حکمران سوازیلند (کشور اسواتینی کنونی) را به عنوان کسی که در طول تاریخ، طولانی‌ترین دوران فرمانروایی را تجربه کرد، بنامیم؛ چرا که دوران حکومت او به ۸۲ سال و ۲۵۴ روز می‌رسد اما در مورد سوبوزا این‌گونه استدلال می‌شود که حکمران یک کشور مستقل نبود و تحت سلطه انگلستان بر مردم خود حکومت کرد. این در حالی است که ۱۴ سال پایانی حکومت او بر اسواتینی (از سال ۱۹۶۸ تا ۱۹۸۲) در شرایطی رقم خورد که این کشور استقلال خود را به دست آورده و از زیر سلطه انگلستان خارج شده بود. در واقع اگر حکمرانانی را که به زعم اروپایی‌ها وابسته و غیرمستقل بوده‌اند و بر مستعمرات آنها حکومت می‌کردند را وارد معادله کنیم، جایگاه لویی چهاردهم و الیزابت دوم در جدول کسب طولانی‌ترین دوران پادشاهی تاریخ به‌ترتیب به رتبه هفدهم و بیست‌وسوم نزول می‌یابد. پس از مرگ ملکه الیزابت، رسانه‌های نوشتاری و تصویری انگلستان یا بنگاه‌های خبری وابسته به این کشور، کوشیدند با تبلیغات فراوان به تمام زبان‌های دنیا (از جمله فارسی) مقام او را در حد خدایان باستانی و شخصیت او را در حد فرشته‌ها بالا ببرند. اما آیا او واقعا فرشته بود و چنین مقام و مرتبه بلندی داشت؟

مستندها روایت می‌کنند

یکی از راه‌های یافتن پاسخی برای پرسش فوق بررسی آثار مستندی است که در مورد ملکه الیزابت ساخته شده‌اند. نهاد پادشاهی انگلستان در ردیف مخفی‌ترین و محافظه‌کارترین نهادهای تاریخ قرار می‌گیرد و کنترل‌های گسترده و سخت موجب شده است اطلاعات اندکی از زیر و بم آن به بیرون درز کند. این امر در مورد ملکه الیزابت نیز صادق است. به همین دلیل اکثر آثار مستند و تصویری ساخته شده در مورد خاندان سلطنتی انگلستان، در طول تاریخ معاصر یا توسط رسانه‌های وابسته به ملکه ساخته شده‌اند یا بر اساس اطلاعاتی شکل گرفته‌اند که به‌صورت کاملا کنترل شده توسط خاندان سلطنتی به بیرون درز کرده یا عمومی شده است. این امر باعث شده نقاط تاریک زندگی ملکه الیزابت کمتر در فیلم‌های مستند بازتاب یابد. با این حال از میان آثار مستند موجود نیز می‌توان برخی زوایای پنهان زندگی او و اطرافیانش را به نظاره نشست. بدون اغراق مستند «راز و رمز ملکه» ساخته مهدی نقویان یکی از آثار آگاهی بخش شاخص پیرامون الیزابت دوم است که این روزها در فضای مجازی بیشترین بازدید را به خود اختصاص داده است.

سلطنت مشروطه غیرمشروط

سال گذشته به مناسبت تولد ۹۵ سالگی ملکه الیزابت فیلم مستندی به نام «الیزابت در ۹۵ سالگی: ملکه شکست‌ناپذیر» ساخته و پخش شد. محتوای این فیلم که بر اساس تحقیقات اختصاصی ساخته شده بر این موضوع استوار است که چگونه الیزابت دوم در طول دوران سلطنت خود نهاد پادشاهی انگلستان را به یک شرکت بازرگانی سودآور و نام خانوادگی ویندزور را به یک برند تجاری بزرگ و پولساز تبدیل کرد.

فیلم مذکور به این نکته اشاره می‌کند که الیزابت و نزدیکانش در محافل خصوصی سیستم پادشاهی انگلستان را «شرکت» می‌نامند و از طریق این سازمان تجاری به سودهای کلان دست یافته‌اند. به گونه‌ای که ارزش برند ویندزور به بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار می‌رسد و بدون این‌که ریز فعالیت‌های آن مشخص باشد، با فعالیت در حوزه‌های مختلف بازرگانی از قبیل املاک و مستقلات، صنایع غذایی، بنگاه‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری و ... اکنون از شرکت‌های نفتی بزرگی نظیر شل نیز ثروتمندتر است. همچنین میزان شاخ و برگ و فعالیت‌های برند سلطنتی انگلستان از مجموع برندهای مشهوری مانند نایک، کوکاکولا و فراری بیشتر برآورد می‌شود. در این میان نیمی از رقم اشاره شده یعنی حدود ۵۰ میلیارد دلار به شخص ملکه تعلق دارد. این در حالی است که بخشی از ثروت اختصاصی او که دارایی‌هایی نظیر املاک شخصی، کاخ‌ها، جواهرات، کلکسیون تمبر و مهر، نقاشی‌های هنری گرانبها و پول نقد را شامل می‌شود، ارزشی معادل ۴۰۰ میلیون پوند دارد. بر اساس اطلاعاتی که فیلم مستند مذکور به بیننده ارائه می‌کند، خانواده سلطنتی انگلستان به رهبری الیزابت دوم به کمک قدرت، نفوذ و اختیاراتی که دارند با تمام دولت‌هایی که در این کشور بر سر کار می‌آیند، لابی می‌کنند تا فعالیت‌های خانواده سلطنتی از نگاه کنجکاو دیگران محفوظ بماند و کسی نتواند ساز و کار تجاری، سیاسی و اقتصادی آن را رصد و کشف کند. در واقع برخلاف تمام ادعاهایی که در مورد مشروط بودن سلطنت الیزابت و اسلاف او می‌شود، آنها اختیارات قابل توجهی دارند و استفاده کاملی از آن در جهت تحقق اهداف خود می‌کنند.

عطش سیری‌ناپذیر ملکه

میزان مشارکت سالانه خانواده سلطنتی انگلستان در اقتصاد این کشور به طور متوسط یک میلیارد و ۷۰۰ میلیون پوند است و برخورداری از این رقم بدون بهره بردن از اهرم‌ها و ابزارهای سیاسی و اقتصادی کلان امکان‌پذیر نیست. البته آمار و ارقام ارائه شده در مستند الیزابت در ۹۵ سالگی تخمینی و بر اساس تحقیقاتی است که انجام گرفته و شاید رقم اصلی بیش از این مقدار باشد. در فیلم مذکور همچنین به این نکته اشاره می‌شود که تمام فعالیت‌های ملکه در طول دوران سلطنت خود با هدف وسعت بخشیدن به امپراتوری مالی و افزایش قدرت و ثروت برند ویندزور صورت گرفته است. او برای این کار حتی در مواقعی پروتکل‌های سلطنتی را دور زده و گاه تصمیمات نامرسوم اتخاذ کرده است. یکی از این اقدامات موافقت او با ازدواج فرزندش چارلز (شاه فعلی و جدید انگلستان) با دایانا بود. دایانا محبوبیت فراوانی در بین مردم عادی داشت و این پیوند محبوبیت او را به کاخ باکینگهام می‌آورد.

علاوه بر آن، دایانا از خصلت‌هایی مشابه با سلبریتی‌ها برخوردار بود و میزان توجه معطوف شده به او سود فراوانی عاید برند تجاری ویندزور می‌کرد. یکی دیگر از موارد مهم مطرح شده در فیلم مذکور اشاره به این حقیقت است که همیشه حرف اول و آخر را ملکه می‌زند و هیچ تصمیمی بدون تایید او قابل انجام نیست. به عنوان مثال وقتی هری، نوه الیزابت همراه با همسر خود مگان مارکل به‌طور علنی از وجود نژادپرستی در خانواده سلطنتی انگلستان پرده برداشت، برادر او ویلیام با چراغ سبز ملکه اظهارات هری و مگان را به‌صورت رسمی و علنی تکذیب کرد. ملکه نیز شخصا بیانیه‌ای در این زمینه صادر کرد تا با تاکید بر روابط خانوادگی، هری را دچار احساسات کند و از اظهارنظرهای مشابه بعدی بازدارد. در واقع نکته‌ای که این فیلم به شکل غیرمستقیم مطرح می‌کند یا از آن استنباط می‌شود این است که تمام افراد پیرامون ملکه حکم ابزاری برای پیشبرد اهداف اقتصادی و تجاری او را دارند و هدف اصلی چیزی جز افزودن بر میزان قدرت، نفوذ و ثروت برند سلطنتی ویندزور نیست.

ملکه و کودتا

فیلم «ملکه و کودتا» یکی دیگر از آثار مستندی است که می‌توان در این بحث به آن اشاره کرد. موضوع اصلی این فیلم به کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ خورشیدی در ایران اشاره دارد و همان‌گونه که از نام آن برمی‌آید، نقش ملکه انگلستان در این کودتا را مورد بررسی قرار می‌دهد. اگرچه فیلم مذکور با کنار هم قرار دادن برخی اسناد و مدارک که در زمان کودتا میان دولت‌های انگلستان و آمریکا رد و بدل شد، درنهایت ملکه الیزابت را از ایفای نقش در این کودتا تبرئه می‌کند اما بر نقش سازمان‌های اطلاعاتی این دو کشور یعنی (CIA) و (MI6) در هدایت و جهت‌دهی به حوادث ۲۸ مرداد تاکید می‌ورزد و این حقیقت تاریخی را با توجه به اسناد موجود و اعتراف رسمی آمریکا در سال ۲۰۱۳ غیرقابل انکار می‌خواند. البته فیلم مستند ملکه و کودتا اثبات نمی‌کند ملکه الیزابت از نقش‌آفرینی دولت انگلستان در کودتای ۲۸ مرداد باخبر یا بی‌خبر بود و ضمن اشاره به غیرقابل دسترس بودن اسناد خانواده سلطنتی تاکید می‌کند در حال حاضر سند یا مدرک مکتوبی در این زمینه قابل یافتن نیست. این فیلم همچنین به رد درخواست محمدرضا شاه پهلوی از سوی شاه جورج ششم (پدر الیزابت) مبنی بر ایجاد ائتلاف با انگلستان اشاره دارد و ملاقات الیزابت و خواهرش مارگارت با او در حاشیه بازی‌های المپیک ۱۹۴۸ را گوشزد می‌کند.

یک مستند توقیف شده

فیلم «خانواده سلطنتی» نام اثر مستندی با مدت زمان ۱۰۵ دقیقه است که سال ۱۹۶۹ توسط بی‌بی‌سی ساخته شد. در آن زمان تحولات فراوانی در گوشه و کنار دنیا شکل گرفته بود که خانواده سلطنتی انگلستان را بیش از پیش تاریخ‌مصرف‌گذشته جلوه می‌داد. از همین رو نزدیکان فیلیپ، همسر الیزابت به او توصیه کردند اجازه دهد دوربین‌های تلویزیون به داخل کاخ بیایند و زندگی شخصی آنها را به تصویر بکشند تا شاید محبوبیت بیشتری میان مردم کسب کنند. فیلیپ از این پیشنهاد استقبال کرد

مستند

چالش دایانا

اشلی گتینگ در مستندی به نام «دایانا، مادر ما»: زندگی و میراث او که در سال ۲۰۱۷ منتشر شد، جلوه‌های تازه‌ای از دایانا، پرنسس ولز را از دید دو فرزندش، شاهزاده ویلیام و پرنس هری و همچنین بسیاری از دوستان نزدیکش ترسیم می‌کند. این مستند به جنبه‌های کمتر گفته شده‌ای از زندگی دایانا متمرکز است و سعی دارد او را در نقش یک انسان خیر و مادر فداکار برجسته کند و به خصوصیات اخلاقی و روابط نامشروع او نپردازد. در حقیقت مستند با بزرگ کردن دایانا به‌عنوان یاریگر بی‌خانمان‌ها و بیماران ایدزی و یک مادر فداکار برای ویلیام و هری، رفتار خانواده سلطنتی با او را به چالش می‌کشد.

رویداد

برگزاری «ماه فرهنگی ژاپن» در تهران

سینما، رسانه‌ای است نافذ و تاثیرگذار که در بسیاری از کشورها برای بسترسازی و عملیاتی کردن برنامه‌ها و راهبردهای کلان ملی و بین‌المللی از آن بهره می‌گیرند. اکران فیلم‌های خارجی در سینماهای ایران اگر همزمان با اکران جهانی و با جهت‌دهی درست انجام شود، می‌تواند همچون یک فرصت برای مخاطب ایرانی و تولیدات سینمای ایران عمل کند. از این رو «ماه فرهنگی ژاپن» از دوشنبه ۲۸ شهریور در تهران از سوی سفارت ژاپن در ایران برگزار می‌شود. برنامه‌های ماه فرهنگی ژاپن در بخش‌های مختلف شامل «سمینار کیمونو» ۲۹ شهریور در محل سفارت، «جشنواره فیلم ژاپن» ۳۱ شهریور در محل مجموعه فرهنگی آسمان و ۴ مهر در سفارت ژاپن در ایران، ششم و هفتم مهر ماه «نمایشگاه مانگا»، برگزار می‌شود. همچنین بخش دیگر جشنواره فیلم ژاپن ۱۱ مهر در تالار مولوی دانشگاه تهران و ۲۶ و ۲۷ مهر نیز بخش دوم نمایشگاه مانگا در دانشگاه کاشان برگزار خواهد شد. / ایسنا

گیشه

«شین» شهاب حسینی هم نفروخت

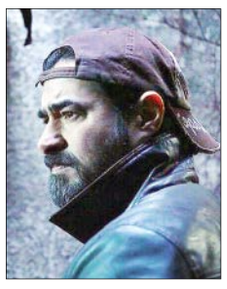

اکران فیلم سینمایی «شین» به کارگردانی میثم کزازی در ژانر وحشت با بازی شهاب حسینی از ۱۶ شهریور در سینماهای سراسر کشور آغاز شد و در حدود یک هفته توانست به فروشی معادل ۱۹ میلیون تومان برسد؛ رقمی که برای فیلمی با حضور شهاب حسینی چندان دلچسب نیست. این فیلم نخستین ساخته سینمایی میثم کزازی است. این کارگردان سینما در اولین قدم خود سراغ ژانری رفته که در سینمای کشور نمونه‌های بسیار کمی داشته است. شاید آثاری مثل «شب بیست و یکم» و «خوابگاه دختران» جزو معدود نمونه‌های موفق سینمای ژانر وحشت در سال‌های گذشته باشد. از جمله نکات جالب توجه این فیلم سینمایی، حضور بازیگرانی همچون جمشید هاشم‌پور، هوشنگ توکلی، شهاب حسینی، غزال نظرو آتش تقی‌پور است. حضور شهاب حسینی و زوج او در کنار جمشید هاشم‌پور می‌تواند برای دوستداران سینما اتفاق جالب توجهی باشد که بتواند مخاطبان را به سالن‌های سینما بکشاند. از دیگر عوامل اصلی شین می‌توان به مدیر فیلمبرداری: علیرضا برازنده و صدابردار: کامران کیان‌ارثی اشاره کرد. / میزان